



همزیستی مسالمت آمیز با پیروان ادیان همگام باحفظ

اصول واحکام اسلام از منظر قران و سیره معصومان (ع)

محمد، صدقی الانق^۱، صالح حسن زاده^۲، علی رجب زاده^۳

۳۱

دوره ۱۲، شماره ۴، پیاپی ۳۱

پاییز ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲-۱-۲۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳-۹-۳۱

صص: ۸۰-۶۰

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۲۲۲

رتبه علمی

ب

پورتال مجله کوهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

همزیستی مسالمت آمیز با پیروان ادیان دیگر به عنوان نشانه جامعه متمدن از اصول مسلم و مورد تأکید اسلام است از این رو رابطه مسلمانان با پیروان ادیان دیگر، همواره باید همراه با حسن همجواری باشد. از طرفی اسلام دارای اصول و احکامی است که عملی شدن آن ها برای اسلام جنبه هویتی و اساسی دارد ولو برخی از آن ها با فرهنگ ملل و ادیان دیگر ناسازگار است. بنابراین چنین تصور نشود که لازمه تأکید اسلام بر همزیستی مسالمت آمیز، جواز کوتاهی نمودن در اجرای آن اصول و احکام است زیرا تحقق واقعی همزیستی مسالمت آمیز اسلامی همراه با پیاده شدن دقیق اصول اسلامی می باشد. بنابراین هدف این تحقیق تأکید بر معطل نماندن اجرای اصول به بهانه همزیستی مسالمت آمیز است چنانچه نتیجه برخی پیمانه های جهانی مانند سند ۲۰۳۰ یونسکو در مورد آموزش و پرورش که برخی مسئولین قبلی ایران آن را پذیرفته بودند، چنین بود. این تحقیق به روش توصیفی تحلیلی آموزه های اسلام و طبقه بندی منطقی آن ها با جمع آوری داده ها به شیوه کتابخانه ای و فیش برداری از منابع و نیز با استفاده از ابزار الکترونیکی انجام گرفته است. هدف مقاله اثبات این مطلب است که لازمه حکم همزیستی مسالمت آمیز اسلام با پیروان ادیان، این نیست که برای همزیستی مسالمت آمیز در اجرای حکمی از اسلام کوتاهی مجاز باشد. یافته اجمالی تحقیق، این است که تحقق اصل همزیستی مسالمت آمیز اسلامی با پیروان ادیان دیگر از دید قران و معصومان با تأکید بر اجرای کامل اصول و احکام هویتی اسلام و کوتاهی نمودن در اجرای آن ها، امکان پذیر است.

کلیدواژه ها: همزیستی مسالمت آمیز، پیروان ادیان، اصول واحکام اسلام، قران، سیره معصومان (ع)

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. sedghi@atu.ac.ir

۲. استاد دانشکده الهیات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳. استادیار دانشکده الهیات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

اصول اسلام، اعم از عقاید، احکام و اخلاق و قوانین اجتماعی، اجزاء مؤلفه و شکل دهنده ماهیت آنها هستند، گرچه برخی از آنها مثل حکم قصاص و غیره ممکن است با باورهای ملل دیگر ناسازگار باشند. از این رو کوتاهی در اجرا و یا تعطیلی آنها نقص بر اسلام است. لذا به هیچ عنوان حتی به بهانه اجرای همزیستی مسالمت آمیز با ملل و پیروان ادیان دیگر تعطیلی کمترین جزء آن اصول مجاز نیست به اصطلاح این اصول خط قرمز اسلام اند، عدم اجرای آنها ولو به مقدار جزئی موجب نقص اسلام است. از این رو تصور نشود که برای حسن همجواری با غیرمسلمانان و فراهم نمودن زمینه همزیستی مسالمت آمیز و تألیف قلوب و جلب نظر غیرمسلمانان و به اصطلاح برای جلوگیری از تنش، مسلمین در مواردی مجازند در اجرای اصول کوتاه ببینند مانند آنچه در مورد سند ۲۰۳۰ یونسکو در مورد آموزش و پرورش، که از سوی هیئت حاکمه وقت جمهوری اسلامی امضاء شد، که اگر آن سند به مرحله اجرا می رسید برخی از اصول اسلام نادیده گرفته می شدند. لذا ضرورت تحقیق از آنجاست که باتوجه به امضای آن سند گاهی چنین وانمود می شود که برای سازش با سازمان های جهانی که بر مبنای افکار و مکاتب دیگری وجود آمده اند، می شود برخی اصول اسلام نادیده گرفته شوند. از این رو سؤال پژوهش حاضر این است که: آیا برای همزیستی مسالمت آمیز با غیرمسلمانان کوتاهی در اجرا و یا ترک حکمی از احکام یا اصلی از اصول اسلام مجاز است؟

فرضیه تحقیق:

نظر قرآن و سیره معصومان (ع) در برخورد با پیروان ادیان دیگر، انسانی ترین رفتار و توأم با احترام و عاری از خشونت است به تعبیری هدف اسلام هدایت بشر به سعادت است، برای این منظور اسلام از پیروان خود می خواهد همواره در تعامل با ملل و پیروان ادیان دیگر روش مسالمت و حسن همجواری را پیش گیرند. بدین ترتیب اسلام ضمن قبول حیات اجتماعی و استقلال تمام ادیان و بدون هضم یا حذف فیزیکی آنها و به رسمیت شناختن حق آزادی عقیده، به زندگی مسالمت آمیز با آنان توصیه می نماید، اما این نظر اسلام بدین معنا نیست که مسلمانی برای همزیستی مسالمت آمیز با پیروان ادیان دیگر مجاز است از اجرای اصلی از اصول یا حکمی

از احکام اسلام کوتاه بیاید. به بیان قرآن کریم رابطه با پروان ادیان باید « با حکمت و موعظه و مجادله احسن باشد... » (۱۲۵/ نحل) بنابراین ایجاد محیط امن با حفظ کیان اسلام از اغراض مهم اسلام می‌باشد.

پیشینه تحقیق :

در زمینه‌ی همزیستی مسالمت‌آمیز اسلام با پیروان دیگر ادیان چه در مبانی و یا راهکارهای آن، نوشته‌های متعدد هست به‌عنوان نمونه:

- ۱- مبانی و راهکارهای همزیستی و تعامل اسلام با مسیحیت ارتودوکس، چاپ دانشگاه ادیان و مذاهب
- ۲- مبانی همزیستی مسالمت انسان‌ها در فقه، نوشته سید علی‌رضا حسینی، چاپ‌شده در همایش منطقه‌ای پژوهش‌های ...
- ۳- بررسی مبانی دین شناختی تساهل و همزیستی مسالمت‌آمیز از دید جان هیک و امام خمینی. نوشته اکبر نامور و همکاران.
- ۴- اصول همزیستی مسالمت‌آمیز دینی از دیدگاه قران کریم.
- ۵- اسلام و همزیستی مسالمت‌آمیز از عمید زنجانی
- ۶- همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام و حقوق بین‌الملل از محمد مهدی کریمی نیا و نوشته‌های دیگر،

با وجود تحقیقات متعدد در موضوع بحث نویسنده، نوشته‌ای را با این محتوا که "تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز اسلامی همگام با اجرای اصول اسلامی است و کوتاهی در اجرای آن‌ها مجاز نیست" ملاحظه ننمود. براین اساس از آنجا که تحقیقات پیشین به ویژه به مسئله اجرای احکام اسلام و عدم جواز تعطیلی آن‌ها در همزیستی مسالمت‌آمیز نپرداخته اند این تحقیق آن خلاء را پر می‌کند.

مفهوم شناسی :

الف- همزیستی مسالمت‌آمیز

همزیستی در لغت به معنای باهم زندگی کردن، زندگی کردن دو تن یا گروه‌های مختلف در کنار هم است، در حالی که باهم دیگر مناسب نباشند. (دهخدا، ۲۰۸۱۷/۱۴) معروف‌ترین واژه عربی معادل آن التعایش السلمی است (لویس معلوف، المنجد فی اللغة، ماده عیش) و معادل انگلیسی آن، واژه [Peaceful coexistence] می‌باشد. (آریانو، فرهنگ لغات)

در اصطلاح حقوق بین‌الملل همزیستی مسالمت‌آمیز به معنای ستیزه‌جویی نکردن با دیگران است (علی بابائی، ۱۳۶۹ ش، ص ۲۵۴) و مراد این نوشته از همزیستی مسالمت‌آمیز اسلامی آن است که از نظر اسلام مسلمین با پیروان ادیان دیگر با حسن همجواری و تعاون بر نیکی در کنار هم زندگی کنند.

بدین ترتیب همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام فراتر از رفتار صلح‌آمیز داشتن با دیگران است. زیرا صلح حالت عدم جنگ است ولو آن‌که صلح‌کننده‌ها نسبت به هم دشمنی داشته باشند. اما در همزیستی مسالمت‌آمیز اسلامی، ضمن به رسمیت شناخته شدن گروه‌ها، تعاون بر نیکی در میان‌شان مورد توجه است و به همکاری در نیکی دعوت شده‌اند.

همزیستی مسالمت‌آمیز اسلامی، با تساهل و تسامح مطرح در فرهنگ غرب، نیز تفاوت دارد زیرا به گفته نویسنده کتاب تساهل و تسامح، تساهل و تسامح در اصطلاح به معنای مداخله نکردن و مانع نشدن از اعمال و عقایدی است که مورد پذیرش شخص نیست، اما باید برای آرامش اجتماع و جلوگیری از تنش، همدیگر را تحمل کنند. (فتحعلی، محمود، ۱۳۷۸ ش/۱۱) از این رو هدف تساهل در فرهنگ غرب جلوگیری از برخورد در اجتماع است نه احترام به کرامت انسان، اما منشاء همزیستی مسالمت‌آمیز اسلامی ضمن احترام به انسانیت، تلاش بر سعادت افراد است لذا این دو، تفاوت‌مبنایی دارند. براین اساس زندگی مسالمت‌آمیز اسلام با پیروان ادیان با تسامح و تساهل در فرهنگ غرب متفاوت است و جزء گروه خون اسلام است.

ب - صلح

صلح به معنای آشتی مقابل جنگ آمده است. (فرهنگ دهخدا واژه صلح)

ج - تسامح و تساهل

تسامح در لغت آسان گرفتن بر یکدیگر و تساهل: سهل‌انگاری، اغماض و چشم‌پوشی، نرمی و ملایمت است (دهخدا، ۱۳۷۷ ش، واژه تسامح)

اهم مبانی همزیستی مسالمت آمیز اسلامی با پیروان ادیان

۱- از نظر قرآن

الف - آزادی فکر و عقیده

آیه ۲۵۶ سوره بقره اکراه در دین را مجاز ندانسته و در آیه ۱۰۷ سوره انعام ضمن جایز دانستن تبلیغ عقلانی اسلام، تحمیل عقیده را مجاز ندانسته و آیات دیگر.

یاد آوری: برخورد کافر با جامعه اسلامی سه حالت دارد ۱- مسلمان می شود ۲- اسلام را قبول نمی کند اما زندگی آزادانه در جامعه اسلامی را با قبول قوانین اسلامی (با پیمان ذمه) انتخاب می کند در این فرض با آزادی به عقیده خود عمل می کند. آیه ۸ سوره ممتحنه، ۳- کافر با لجبازی و بی منطقی در مقابل اسلام می ایستد در این فرض با کافر جنگ می شود. (مصباح یزدی، ۶۸/۱/۱۳۸۷ به بعد و سایت هدانا برگرفته از استفتائات آیت ... مکارم شیرازی)

ب - نفی نژاد پرستی و برابری انسانها،

آیه ۱۳ سوره حجرات با بیان اینکه همه انسانها از یک پدر و مادرند، برابری همه انسانها را مطرح می نماید و در آیاتی با رد نژاد پرستی برابری انسانها را تاکید می نماید. مثل آیه ۸ سوره مائده و آیات ۱۱۱ و ۱۱۲ سوره بقره و ...

ج - شناسائی رسمی انبیا و کتب آسمانی گذشته،

آیات ۴۵ و ۴۷ سوره مائده، با به رسمیت شناختن کتب و ادیان آسمانی از پیروان ادیان می خواهد که به احکام کتاب خود (توحید و خدا پرستی) پایبند باشند.

د - شناسائی رسمی حقوق اقلیت ها،

آیه ۸ سوره ممتحنه می فرماید: اگر اقلیت های دینی با مسلمانان به قتال نپردازند و... با انعقاد قرارداد ذمه (پذیرش قوانین اسلامی) می توانند در آن جامعه آزادانه زندگی کنند و سلامتی جان و مال و آبروی آنان از سوی اسلام تضمین می شود و حتی مجازند اعمالی را که اسلام منع نموده اما در آئین آنان ممنوع نیست بدون تظاهر انجام دهند.

ه - اصالت صلح در اسلام،

بر اساس آیه ۶۱ سوره انفال و آیه ۹۰ و ۹۴ سوره نساء و آیات دیگر، مسلمانان موظف اند در هنگام جهاد تقاضای صلح از سوی دشمن را با ملاحظه جوانب احتیاطی و احساس درستی تقاضای صلح، آن را رد ننمایند .

و- تعاون بر نیکی و تقوی در سطح جهانی،

در آیه ۲ سوره مائده مومنان ضمن ممنوع شدن از اعتداء ، امر شده اند که بر نیکی و تقوا تعاون داشته باشند بدیهی است تعاون بر نیکی در مقیاس جهانی بدون همزیستی مسالمت آمیز امکان ندارد .

۲- از منظر روایات و سیره معصومان

الف - شناسائی رسمی گروه های دیگر

پیمان نامه نوشتن رسول خدا (ص) با یهودیان مدینه به معنای به رسمیت شناختن و داشتن حسن همجواری با آنها است. (ابن هشام، ۱۸۷۱ م / ۲ / ۲۲۱ و یعقوبی ۱۳۹۵ ش / ۱ / ۳۷۰)

ب- پایبندی نبوی (ص) بر پیمان با کفار

رسول خدا (ص) تا زمانی که طرف مقابل پیمان شکنی نمی کرد به پیمان با آنان پایبند می بود در واقع آن حضرت با این عمل طرف مقابل یعنی کفار را به رسمیت می شناخت. (همان)

ج- شناسائی رسمی حقوق اهل ذمه

پیامبر خدا (ص) در مورد مراعات حقوق اهل ذمه توصیه های اکید نموده در روایتی فرمود: " من آذی ذمیا فانا خصمه و من کنت خصمه خصمته یوم القیامه " یعنی: هر کس اهل ذمه (یهودی، مسیحی و... که در پناه اسلام است) را آزار رساند، من دشمن او خواهم بود و هر کس من دشمن او باشم، روز قیامت دشمنی خود را نسبت به او آشکار خواهم نمود. " (کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۵۸). شبیه این روایت نیز از حضرتش نقل شده است " من آذی ذمیا فقد آذانی " (عاملی نباطی، ۱۳۸۴ق / ۳ / ۱۳)

د- حسن هم جواری با همه،

امیر المومنین (ع) به مالک اشتر می فرماید: " ای مالک مردم یا برادران دینی تواند یا هم نوع تو... " یعنی با همه باید با حسن هم جواری رفتار کنی (نهج البلاغه نامه ۵۳) مبانی متعدد دیگر که شمارش آن ها ولو باختصار از حوصله مقاله خارج است .

سیره انبیا در همزیستی مسالمت آمیز همگام با اجرای اوامر الهی

سیره انبیا الهی نیز در برخورد با پیروان ادیان دیگر همزیستی مسالمت آمیز همراه با منطق بوده و در ضمن اهداف خود را در رساندن پیام خدا و اجرای اوامر الهی بدون توجه به واکنش مخالفان، دنبال می‌کردند، قرآن کریم در سوره عنکبوت/ ۴۶ و سوره نحل/ ۱۲۵ جدال احسن و برخورد منطقی توأم با احترام به طرف مقابل را جز در مورد ستمگران امر و از طرفی مدهانه و سازش کاری در اجرای اصول و احکام دین را به هیچ عنوانی اجازه نداده و فرموده است: «آنچه را مأموریت داری بیان کن و از مشرکان روی گردان (و به آنها اعتنا نکن)» (سوره حجر/ ۹۴) لذا مؤمن گرچه مأمور به همزیستی مسالمت آمیز با پیروان ادیان است، اما در اجرای احکام پروردگار [به‌رغم سختی] باید پایدار بوده و در اجرا شککیا باشد. قرآن می‌فرماید: « پس [در اجرای کامل احکام اسلام از مشکلات و سرسختی دشمنان هراسی به خود راه نده] و بر حکم خدا صبور باش و از هیچ گنه‌کار و کافری اطاعت مکن. » (انسان/ ۲۴) بدین ترتیب روش نبوی (ص) و همه انبیا این است که ضمن بیان حق با منطق و احترام به دیگران، هرگز در اجرای اوامر الهی با این ملاحظه که شاید موجب تنش با گروه‌های دیگر شود، واهمه نداشته و به جد اهداف خود را دنبال می‌کردند. از طرفی خدای تعالی کوتاه نیامدن پیامبران (ع) در اجرای فرمان‌ها را به‌عنوان روش مستمر آنان نقل و تمجید می‌کند. مثلاً در آیه ۴ سوره ممتحنه پایداری حضرت ابراهیم (ع) در تبری از نمرودیان را می‌ستاید. حاصل این‌که قرآن در پیاده شدن اوامر الهی جز صلابت و اجرای کامل آن‌ها روش دیگر به هر بهانه ولو همزیستی مسالمت آمیز را قبول ندارد. در روایت نیز آمده است که: «بعد از ایمان به خدا اساس عقل، مدارا با مردم در غیر ترک حق است» (ابن شعبه حرانی/ ۱۴۰۴ق/ ۴۲)

این بر داشت باروایات سمحه و سهله بودن اسلام « ان دین الله الحنفیه السّمحه... » (قضاعی، ۱۳۶۱ش. ص ۳۵۷) ناسازگار نیست. زیرا سمحه و سهله بودن اسلام این نیست که مسلمانان می‌توانند از بعضی تعالیم قطعی اسلام به بهانه‌هایی مانند همزیستی مسالمت آمیز و یا جلوگیری از تنش با ملل دیگر و... کوتاهی نمایند بلکه سمحه و سهله بودن اسلام بدین معناست که در

اسلام سختگیری نیست و همه تکالیف آن بر اساس فطرت انسانی و آسان است و خدای متعال دستور خارج از توان نداده است. « [خدا] در دین تکلیف مشقت باری برای شما قرار نداده است. » (حج، ۷۸) بدین ترتیب، روایات سمحه و سهله ناظر به آسانی احکام اسلام است، نه به معنای چشم پوشی از اجرای دستورات الهی.

احترام به عقاید صحیح دیگران :

لازمه این گفته (قاطع بودن بر اجرای اصول و احکام اسلام) بی احترامی به اعتقادات دیگران نمی باشد. اسلام بی احترامی به عقاید دیگران حتی بت پرستان را مجاز ندانسته و اصولاً یکی از شرایط اولیه همزیستی مسالمت آمیز اسلامی با دیگران، عدم توهین بر عقاید آنان است. لکن از آنجاکه احترام به عقاید غیر منطقی و خرافی، تشویق به ضلالت و گمراهی است از این رو چنین باورها در ادیان آسمانی نه تنها مورد تأیید نیست بلکه همواره تلاش بر هدایت دارندگان چنین عقاید است و به تعبیری از دید خدای تعالی " خبیث و طیب ... " (مائده ۱۰۰) بینا و نابینا، نور و ظلمات (رعد/۱۶) یکی نیستند. به قول سعدی :

اگر بینم که نابینا و چاه است
اگر خاموش بنشینم گناه است
(سعدی، ۱۳۸۲ ش، باب اول گلستان حکایت ۳۸)

بنابراین کنار آمدن با پلیدی، در آئین های الهی و نزد عقلا ناپسند است. لذا سیره انبیا این است که افرادی را که از روی نادانی و یا با پیروی هوای نفسانی، راه غیر عقلانی را می پیمایند، راهنمایی کرده و در صورت عدم پذیرش منطقی، برای هدایتشان برخورد های دیگر می کردند. حضرت ابراهیم (ع) ضمن عدم تأیید بت پرستان آنان را به عقلانیت دعوت می کند «اف بر شما و بر آنچه غیر از خدا پرستش می کنید، آیا اندیشه نمی کنید» (و عقل ندارید).» (انبیا ۶۷) و سپس شکستن بت آنان را برنامه ریزی می نماید و همین طور انبیا دیگر، امامان معصوم (ع) نیز برای حفظ صراط مستقیم بعد از راهنمایی افراد و گروه هایی مانند مرجئه، واقفیه، غالبان، خوارج و امثال آنها، که به خیال درک درست اسلام به نادانی و یا با پیروی هوای نفس به تحریف اسلام پرداخته و با تحریف حقایق اسلام بدعت گذاری می کردند و بنیان های عقیدتی مسلمانان را سست

می‌نمودند، بشدت برخورد می‌نمودند. براین اساس، موضع‌گیری صریح با روش منطقی در مقابل باطل لازم است اما توهین و یا کنار آمدن با آن مجاز نیست .

چرائی عدم جواز انعطاف در اجرای اصول و احکام اسلام:

الف- عقلانی بودن اصول و احکام

از آنجاکه اصول و احکام اسلام عقلانی اند و قاعده کلما حکم به الشرع حکم به العقل در این مورد معروف است. از طرفی روشن است که اصول دین در اسلام بر اساس عقل است و احکام فرعی دین نیز گرچه بر اساس وحی است. لکن بنظر دین، عقل حجت باطنی است و افزون بر این خدا در موارد متعدد احکام دین را برعقلا ارجاع داده مثلا حکم قصاص (بقره/۱۷۹) و از طرفی اساس دین و خدا شناسی با عقل است و عقل از منابع احکام است لذا امام (ع) فرمود: «من کان عاقلا کان له دین» (کلینی، ۱۴۰۷/۱/۱۱)، بنابراین کوتاهی در اجرای اصول و احکام اسلام خلاف عقل است به تعبیر قرآن کریم حق باید بر باطل کوبیده شده و ترک نشود: « نه اینطور نیست، بلکه حق را به روی باطل می‌کوبیم تا آن را درهم شکنند و یکباره نابود شود...» (انبیاء/ ۱۸) به تعبیر امیر مؤمنان (ع): « فَلَا تُقْبَنُ الْبَاطِلَ حَتَّى يَخْرُجَ الْحَقُّ مِنْ جَنْبِهِ . محققا باطل را می‌شکافم تا حق از درون آن بیرون آید.» (نهج البلاغه، خطبه ۳۳). « گویا منظور این است که باید تاریکی باطل را که حق را پوشانده، با روشنی عمل خود، برطرف سازیم تا حق آشکار گردد.) آری تأمین محیط سالم ، جز با پایداری بر خوبی‌ها و مبارزه با رذایل میسر نمی‌شود. بدیهی است چشم‌پوشی برانجام کارهای ناشایست چیزی جز پرورش ناپسندی‌ها و تضعیف خوبی‌ها نیست. لذا امیر بیان می‌فرماید: " لَا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ وَلَا يُضَارِعُ، وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ. فرمان خدا را تنها کسی می‌تواند اجرا کند که سازش‌کار نباشد و به روش اهل باطل عمل نکند و پیرو طمع نباشد. (نهج البلاغه حکمت ۱۱۰)

بنابراین سازش‌کاری، انعطاف‌پذیری و کوتاهی در اجرای حکم خدا، موجب ضرر جبران‌ناپذیر بر تکامل بشریت است. امام علی(ع) فرمود: « آنگاه که حق بر شما وارد شد و آن را شناختید در آن سازش روا مدارید که دچار خسران آشکار می‌شوید. (مجلسی، ۱۴۰۳ق،

ج ۷۴، ص ۲۹۱) قرآن کریم هم «... کسانی را که باملاحظه امور دنیوی و مصالح زودگذر، در اصول و احکام اسلام سازش کنند و حق را کتمان کنند لعن می‌کند.» (بقره ۱۵۹)

لذا این ذهنیت که باملاحظه مصالح ظاهری و کوتاهی در اجرای اوامر الهی، می‌شود امور جامعه را بهتر اداره کرد، ذهنیتی باطل است. امام علی (ع) فرمود: «مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترک نمی‌گویند، جز آن که خدا آنان را به چیزی زیانبارتر دچار خواهد ساخت.» (نهج البلاغه، کلمات قصار / ۱۰۶)

البته منظور از این ایستادگی بر اصول، تعصب بی‌منطق نیست، بلکه منطق و مجادله احسن تکلیف قرآنی است: «[ای رسول! مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به سوی پروردگارت دعوت نما، و با آن‌ها به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن...» (نحل، ۱۲۵)

از ائمه (ع) به‌ویژه از امامان صادق و رضا (ع) ایستادگی به پای منطق و انعطاف‌ناپذیری در مقابل سخن غیرمنطقی، آثار زیاد نقل شده است به‌عنوان مثال روش امام صادق (ع) در مقابل امثال ابن ابی العوجاء چنین بوده است. (مفضل بن عمر، ۱۳۷۹ ش. ص ۵۰) و مناظرات امام رضا (ع) با احترام به دیگران نیز چنین بوده است. (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش. ج ۲، ص: ۲۳۱) البته همه این رفتارهای نیک در مقام مناظره در دفاع از حق و منطق است اما هنگامی که دشمن به لجبازی می‌پرداخت دیگر روش، تسامح نیست. برخورد موسی (ع) با فرعون و پیامبر اسلام (ص) با قریش و امثال آن گواه روشن است که به هیچ بهانه نباید در برابر باطل و تعطیلی اعتقادات و اصول و احکام کوتاه آمد.

ب- فطری بودن اصول و احکام اسلام

دلیل دیگر بر لزوم پایداری بر اصول و احکام دین، فطری بودن آن‌ها است. به فرمایش قرآن کریم، دین (اصول، احکام و اخلاق) به‌طور فطری در همه انسان‌ها قرار دارد. (روم. ۳۰) از این رو کوتاهی در اجرای آن‌ها خلاف نیازهای فطری و اصیلی است که برای تعالی انسان ضرورت دارند.

توضیح این که فطریات برای هدایت انسان است، مثلاً انسان در برخی مسائل حیاتی، نمی‌تواند تنها منتظر فرمان عقل باشد چون در این انتظار، گاهی نیاز انسان تأمین نشده و سبب

تعطیلی هدف‌های حیاتی می‌شود، مثلاً اگر انسان برای آمیزش جنسی، بخواهد از منطق «لزوم تداوم نسل از طریق توالد» الهام بگیرد، مدت‌ها پیش، نوع او منقرض می‌شد، ولی جاذبه جنسی غریزی خواه ناخواه او را به سوی این هدف می‌کشاند. از این رو باکوتاهی در اجرای اصول و احکام فطری دین، نیازهای ضروری انسان‌ها از جمله نیاز به عزت و استقلال تأمین نمی‌شود. افزون بر این، کوتاهی در اجرای اصول فطری در واقع مخالفت با عقل است زیرا می‌دانیم که جاذبه‌های درونی بر دو گونه است:

۱- ویژگی نیمه آگاهانه درونی حیوان که غریزه نامیده می‌شود. و حیوان از آن در هدایت زندگی خود در محدوده مسائل حیوانی بهره می‌برد، از آنجاکه ناآگاهانه است نیاز به وساطت عقل ندارد، (مثلاً حیوان برای ادامه حیات بدون نیاز به تفکر به سوی غذا جذب می‌شود) انسان هم در ابعاد حیوانی در غرایز با حیوانات مشترک است.

۲- اما گاهی این جاذبه درونی آگاهانه است مانند خیرخواهی انسان که او از وجود چنین جاذبه آگاهی دارد، و توسط عقل از آن بهره می‌برد. مانند انتخاب مذهب، خدا گرایی، خیرخواهی... این قسم را که به مسائل انسانی (فوق حیوانی) مربوط است. "فطرت" می‌نامند که به بیان قرآن، دین به طور فطری در همه انسان‌ها قرار دارد. (روم. ۳۰) بر اساس این آیه میان تمام قوانین الهی "تشریح" و دستگاه فطرت "تکوین"، هماهنگی وجود دارد. از این رو پیامبران وظیفه داشتند با گردگیری عقول، انحرافات را که امر عارضی‌اند، از آنها بزدایند تا فطرت انسانی نقش خود را صحیح ایفاء نماید.

علی (ع) در اشاره به این معنا فرمودند: «خداوند متعال رسولان خود را یکی یکی به سوی انسان‌ها فرستاد تا وفای به پیمان فطری را از انسان‌ها بخواهند، و نعمت‌های فراموش شده الهی را به آن‌ها یادآور شوند، به تعبیر آن حضرت "گنجینه‌های عقول انسان را آشکار کنند. " (نهج البلاغه، خطبه ۱)، تفسیر نمونه شواهد گوناگونی بر فطری بودن "تمام اصول و احکام مذهب" بیان کرده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش/ ۴۲۳/۱۶)، قابل ذکر این که در عوامل انتشار سریع اسلام سخن زیاد است اما اگر دقت شود یکی از آن‌ها فطری بودن قوانین آن است، برای نمونه: هنگامی که اسلام حکم حفظ کرامت انسان، توأم با همزیستی مسالمت‌آمیز را ارائه نمود به سرعت مورد پذیرش فطرت پاک انسان‌های حقیقت‌جو قرار گرفت و موجب

سرعت نشر اسلام در جهان شد. قرآن می فرماید: «رحمت خدا تو را با مردم، مهربان و خوش خوی گردانید، و اگر تندخو و سخت دل بودی مردم از پیرامون تو متفرق می شدند...» (ال عمران/۱۵۹) و مردم بدوی، جاهل و همواره در جنگ و ستیز حجاز، با پذیرش اسلام، در سایه قوانین فطری آن، اختلافها و برخوردها و جنگهای خانمان سوز را کنار گذاشته، ملتی یگانه، متحد، برادر و دوستدار همدیگر شده و با جایگزین کردن مهر و محبت و صلح و دوستی چنان عزت یافتند که بر ابرقدرت شرقی زمان خود فائق آمدند، در واقع همزیستی مسالمت آمیز اسلامی با همگامی در اجرای اصول و احکام اسلام چنین موقعیت را بر مسلمانان تحقق بخشید.

قرآن کریم در اشاره به این نعمت بزرگ که در اثر اجرای صحیح اسلام برای بشریت به ارمغان آورده، می فرماید: «نعمت خدا بر خود را به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او باهم برادر شدید، و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، شمارا از آنجا نجات داد...» (آل عمران/۱۰۳).

گوستاولوبون نویسنده غربی در این مورد گوید: "تمام ملت‌هایی که به نحوی با عرب (مسلمانان) ارتباط پیدا می کردند تمدن آنان را می پذیرفتند. در دیگران بسیار اثرگذار بودند، چنین ملتی در تاریخ غیر از عرب (مسلمانان) را سراغ نداریم." (گوستاولوبون، ۱۳۵۸ش، ص ۷۰۱) آری آنچه به مسلمانان هویت مستقل بخشیده و مایه برتری آنان را فراهم نموده تعالیم فطری و انسان ساز اسلام بوده است. که به دلیل فطری بودن، احکام اسلام سرچشمه‌های حیات مادی و معنوی و تمدن شایسته بشری را در نهاد خود انسان قرار داده است. لذا کوتاهی در اجرای آنها قهقرا و عقب‌گرد و خلاف عقل است.

مستشرق دیگر (کنت دوگوبینو) می گوید: «هیچ دیانتی تسامح جوتر و شاید بی تعصب تر از اسلام وجود ندارد. [چون احکام آن فطری است] و درواقع این بی تعصب بودن است که در قلمرو اسلام بین اقوام و امم گوناگون تعاون و معاضدت را به وجود آورد که پیشرفت تمدن اسلامی را ممکن ساخت" (زرین کوب، ۱۳۶۹ش، ص ۲۵)

ویل دورانت نیز با اشاره به برتری مرگب علما از خون شهدا در آموزه‌های اسلام (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۲۶/۷) و برخی نکات دیگر گوید:

تفاوت پیامبر اسلام با بیشتر مصلحان دیگر این است که وی به طلب علم تشویق می‌کرد و علم را محترم می‌شمرد. " (ویل دورانت، بی تا، ص ۱۳۸)

براین اساس، محققان غیرمسلمان نیز تأکید دارند که تمدن اسلامی هم مدیون آسانی و مطابق فطری بودن احکام اسلام و تسالم مسلمانان با دیگران همراه با پایداری مسلمانان بر اصول است و هم به جهت علوم و فنونی است که مخترع آن‌ها مسلمانان بوده است .

رهبر فقید امت اسلامی حضرت امام خمینی (رض) نیز وضع نابسامان مسلمین امروز را کوتاه آمدن از اصول دانسته و در نتیجه استقلال و عزت اسلام را در پایبندی و عمل به تعالیم اسلامی و عدم اتکا به بیگانه می‌دانستند و بر این اساس بنیانی را پی‌ریزی نمودند که هدف آن برگشت به اسلام ناب محمدی (ص) می‌باشد. (امام خمینی، ۱۳۶۸ش/ ۲۳۶ و امام خمینی، ۱۳۸۵ش/ ۳۲).

مقام معظم رهبری حفظه الله نیز در اشاره به این مطلب فرمود:

تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی متفاوت است ... علم گاهی در اختیار دشمن است و در عین حال ما می‌رویم پیش او زانو می‌زنیم و علم را فرا می‌گیریم این اشکالی ندارد ارزش علم فراتر از آن است که انسان به خاطر دشمنی از آن صرف نظر کند، لکن بحث ما در این است که انسان تحت تأثیر دشمن قرار گیرد آن‌هم در مسائلی غیر از علم یعنی در سیاست، فرهنگ و چیزهایی از این قبیل. [چون] آنچه را که آن‌ها برای به اصطلاح جهان سوم خواستند و برنامه‌ریزی کردند وابستگی سیاسی است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۳ش، ص ۱۸ و ۱۹)

ایراد برانعطاف ناپذیری اسلام :

ممکن است گفته شود انعطاف ناپذیری و سرسختی در اجرای احکام دین موجب آسیب به همزیستی مسالمت آمیز است چون اصولاً سخت‌گیری و نداشتن گذشت، نتایج مثبت ندارد حتی گاهی موجب اختلاف‌هایی می‌شود به بیان دیگر اگر قرار باشد هر مذهب و گروهی بر عقاید و احکام آئین خود پافشاری نماید طبعاً همزیستی مسالمت‌آمیز امکان‌پذیر نخواهد شد . پاسخ؛ این سخن درست نیست زیرا پایبندی بر اصول اسلام به معنای ستیز با پیروان ادیان دیگر و یا تحمیل عقیده بر آنان نیست برعکس اسلام در رابطه با پیروان ادیان دیگر، گفتگوی منطقی و جدال احسن را لازم دانسته و گفتگوی منطقی و رفتار مسالمت‌آمیز مقدم بر هر چیز است. چنانچه مسلمانان در عصر نبوی (ص) و امام علی (ع) با مشرکان در یک جامعه زندگی داشتند

و هرگز برخوردی در بین نبود و در قرون بعدی نیز تا به امروز مسلمانان به تبع آن بزرگواران با هیچ گروهی برای تحمیل دین ننجنگیده‌اند. بلی گروهی که در مقابل منطق و دلیل اسلام، لجبازی به خرج دهد و همواره روش غیرعقلانی را پیش گیرد، اسلام به رابطه مناسب حتی در مواردی برخورد قهرآمیز تا تسلیم دشمن را لازم می‌داند.

اکنون هم مردم مسلمان ایران عزیز، بعد از انقلاب اسلامی به رغم این که صدمات بسیاری را از ناحیه دشمنان لجباز جهان خوار متحمل می‌شوند. اما ضمن قدرتمند بودن و ایستادن به پای باورهای خود، هرگز رابطه مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان دیگر را فراموش نکرده و تحمیل باور به دیگران از طریق زور ننموده‌اند. چنانچه گوستاولوبون به این حقیقت اعتراف دارد که "رسم اعراب (مسلمانان) این بود که هر جا که فتح می‌کردند، مردم آنجا را در دین خود آزاد می‌گذاشتند. اینکه مسیحیان از دین خود دست برمی‌داشتند و به اسلام می‌گرویدند و زبان عرب را به جای زبان مادری انتخاب می‌کردند چون عدل و دادی که از عرب‌های پیروز (مسلمانان) می‌دیدند مانندش را از زمامداران پیشین خود ندیده بودند. (گوستاولوبون، ۱۳۵۸ ش، ص ۱۴۱) بدین ترتیب انعطاف‌ناپذیری در اجرای اصول، به معنای از بین بردن همزیستی مسالمت آمیز نیست.

ج - آسیب‌های انعطاف در اجرای اصول مانع جواز آن

گرچه همزیستی مسالمت‌آمیز با همه پیروان ادیان خواسته اسلام است اما این حکم بدین معنا نیست که، اسلام آسیب به اصول هویتی خود مثلاً تحیر اعتقادی مسلمین و غیره را مجاز بداند. جهت توضیح به برخی از آن آسیب‌ها به اختصار اشاره می‌شود:

۱- تحیر و سرگردانی اعتقادی مسلمین:

بدیهی است که اگر کوتاهی در اجرای برخی از اصول و برنامه‌های دینی مجاز باشد و یا به گونه زمان پسند تأویل و به شکل تغییر یافته ارائه شوند، دیری نمی‌گذرد که احکام دین وارونه و غیر صحیح ارائه می‌شوند و شناخت صحیح آن‌ها میسر نمی‌شود و این موجب سرگردانی و چنددستگی فکری و اعتقادی در مسلمین خواهد شد. این که روایاتی، یکی از مسائل مهم امام عصر (عج) را زنده نمودن احکام متروک اسلام می‌دانند، آنها احکامی اند که در اثر مرور زمان

و انعطاف‌پذیری و کوتاهی مسلمانان در برابر انحرافات، متروک شده اند، که اقدامات امام (ع) برای زنده نمودن آن‌ها به‌عنوان امر جدید و کتاب جدید تلقی خواهد شد .

امام باقر (ع) فرمودند: «امام عصر(عج) با امر جدید و کتاب جدید قیام می‌کند...» (ابن ابی زینب؛ ۱۳۹۷ق، ص ۲۳۳ ح ۱۹ و یزدی حائری، ۱۴۲۲ق، ۲، ۲۳۴) در توضیح این مسئله گفته شده است که مراد از امر جدید احکامی است که به‌مرور زمان و در اثر کوتاهی مسلمین، متروک می‌شوند و امام (ع) آن‌ها را زنده خواهند نمود. (ابن ابی زینب، همان، پاورقی)

همان‌طور که بدعت‌ها بعد از پیامبر (ص) برای خود به‌عنوان سنت جا باز نمودند و در نتیجه آن‌ها به‌عنوان سنت تلقی شدند تا حدی که امام علی(ع) خواستند آن‌ها را اصلاح نمایند عده‌ای ایستادگی نموده و مشکلات گوناگونی را به وجود آوردند و همانند مردم قبل از بعثت، در چنددستگی و سرگردانی قرار گرفتند. (نهج‌البلاغه خطبه ۱) لذا «امام عصر(عج) هنگام قیام در احیای احکام متروک، از ناحیه مردم نادان مشکلاتی خواهند داشت که شدیدتر از مشکل رسول خدا (ص) با مردم عصر جاهلیت می‌باشد!» (حرعاملی، ۱۴۲۵ق/۵/۱۶۷)

افزون بر این، نتیجه تحیر فکری مختل شدن ساختار دفاعی عقیدتی مکتب است، چون اگر پیروان یک مکتب بر اصول عقیدتی مشخص متفق‌القول نباشند هویت جمعی سامان نیافته و خودشان مشکل خواهند داشت. لذا کوتاهی در اجرای اصول، حتی یک اصل، به‌جای ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز، استقلال فکری و استحکام فرهنگی و ارزش‌های جمعی را از بین برده و موجب استحاله امت در برابر افکار بیگانه می‌شود. شیطان گفت: جز افراد مخلص همه را فریب خواهم داد. (حجر، ۳۹-۴۰ و صاد، ۸۳) یعنی شکست انسان و هر مجموعه از اندیشه سست آغاز می‌شود اما مخلصین که دارای باورهای قوی و یقین هستند شکست ناپذیرند از این‌رو اگر امت اسلامی در اجرای احکام اسلام به هر بهانه‌ای کوتاهی کرده و سازشکارانه برخورد نمایند، نهایتاً فرهنگ اسلامی ناتوان شده و کم‌کم کارایی خود را از دست می‌دهد. قرآن کریم در این مورد هشدار می‌دهد: «ای مؤمنان اگر از کسانی که کافر شده‌اند اطاعت کنید شما را به عقب بازمی‌گردانند و سرانجام زیانکار خواهید شد» (آل عمران ۱۴۹) و در آیه دیگر فرمود: «هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد جز اینکه (به‌طور کامل) تسلیم

خواست‌های آن‌ها شوی ...» (بقره/ ۱۲۰). بنابراین بقای اسلام در طول تاریخ مدیون پایداری مخلصانه بر اصول و چهارچوب عقیدتی و کوتاه نیامدن از اجرای احکام اسلام می‌باشد. رهبر فقید حضرت امام خمینی (رض) فرمودند: هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا کند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد و تا زمانی که ملت‌ها خود را گم کنند و دیگران را بجای خود بشناسند نمی‌توانند استقلال پیدا کنند. (اسلامی مقدم، ۱۳۷۲ش، ص ۶۰)

از این‌رو است که استعمارگران در هر جا سلطه پیدا می‌کنند، مردم را از فرهنگ خود بیگانه و فرهنگ و زبان خودشان را جایگزین آن می‌کنند. لذا امروزه استکبار با حاکمیت اسلام ناب در ایران، مشکل دارد و همواره علیه آن با روش‌های گوناگون برخورد می‌نماید و اگر در بعد نظامی در برابر ایمان مردم شکست می‌خورد، از طریق تهاجمات دیگر: اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و... تلاش در نفوذ دادن فرهنگ خود در جامعه اسلامی می‌کنند و باورهای دینی افراد به‌ویژه جوانان را هدف گرفته تا هر چه بتوانند باورهای دینی را مخدوش نموده و پشتوانه قدرت و استقلال مسلمانان را تضعیف نمایند. چنانچه دشمنان چندی پیش در زمان دولت دهم تلاش داشتند در پوشش سند ۲۰۳۰ یونسکو در آموزش و پرورش اسلامی کشور عزیزمان چیزی را بدست آورند که در جبهه نظامی نتوانستند که اگر رهبر فرزانه و نکته‌سنج، نیات پلید استعمار را بر ملا نمی‌کردند نفوذ آنان عملی می‌شد. اخیراً (در سال ۱۴۰۱) نیز با نفوذ در افکار جوانان ناآگاه با سرمایه‌گذاری همه جانبه پول و تبلیغ و دروغ و... اغتشاشات براندازی را در کشور راه انداختند که اگر رهبری‌های داهیانۀ رهبری عزیز و بصیرت ملت در مقابل دشمن نبود، خطر ساز بود.

راسل (در بررسی مقوله قدرت) می‌گوید: به آسانی می‌شود گفت که باور، دارای قدرت مطلق است و همه صورت‌های دیگر قدرت، از آن ناشی می‌شود. ارتش وقتی مفید است که سربازان به چیزی که می‌جنگند باور داشته باشند... دیانتی که پیامبر اسلام بنیاد نهاد عامل اساسی موفقیت ملت عرب بود. (برتراند راسل، ۱۳۹۷ش/ ۱۷۳)

از این‌رو تا زمانی که غیرت دینی باشد و نسبت به اصول و احکام دین پایبندی باشد، توطئه بیگانه ناکارآمد خواهد بود.

۲- نفوذ اندیشه‌های غیردینی در مکتب .

آسیب دیگر انعطاف پذیری و کوتاهی در اجرای اصول اسلامی، زمینه‌سازی آن برای نفوذ و گسترش اندیشه‌های بیگانه در جامعه اسلامی است. زیرا در اثر کوتاهی در اجرای احکام و رنگ باختن تفکر اصیل دینی حساس بر نفوذ فرهنگ بیگانه، افکار التقاطی به وجود می‌آید که به سلطه بیگانه و وابستگی به آن، حساس نیست، به تعبیری با ضعیف شدن باورهای صحیح، افکار بیگانه زمینه نفوذ پیدا می‌کند، این است که شیطان اغواء و نفوذ فرهنگی را جهت عملی نمودن اهداف خود بر افراد غیر مخلص برنامه ریزی می‌کند... (حجر/۳۹)

اگر امروزه جوامع اسلامی متعددی دچار از خود بیگانگی فرهنگی شده و نسبت به روابطی مانند رابطه سلطه‌گونه دشمن، که اسلام اجازه نداده، حساسیت از بین رفته و یا دختران مسلمان حتی در کشور اسلامی از رفتن به مدرسه و دانشگاه با حجاب اسلامی ممنوع می‌شوند! و یا با وجود احکام الهی و منع قرآن از حکم غیر الهی، حکومت‌هایشان بدون توجه به احکام خدا به صورت سکولاری اداره می‌شوند! و تلاش می‌شود مردمشان هویت غیر اسلامی داشته و به غرب ملحق شوند، یکی از علل اساسی این‌ها همان انعطاف پذیری و بی‌اعتنایی به ترک اصول و برنامه‌های مسلم دینی است.

براین اساس کوتاهی در اجرای اصول اسلام، زمینه‌ساز نفوذ سلطه سیاسی و اقتصادی دشمنان اسلام و موجب تغییر هویت الهی مردم و ورود فرهنگ بیگانه در جامعه اسلامی است. لذا اسلام اموری مانند دوستی کفار و اعتماد به آنان و... را که زمینه‌ساز نفوذ فرهنگ بیگانه و در مخاطره قرار دادن هویت اسلامی‌اند، ممنوع کرده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود: یک- ممنوعیت دوستی کفار و اعتماد به آنان.

یکی از خطوط قرمز مسلم اسلام در رابطه با غیرمسلمانان این است که مؤمن نمی‌تواند ولایت غیرمسلمان را بپذیرد [ولو برای همزیستی مسالمت‌آمیز با آنان] قرآن کریم می‌فرماید: «ای مؤمنان! دشمن مرا و دشمن خویش را دوست خود قرار ندهید، شما نسبت به آن‌ها اظهار محبت می‌کنید، درحالی‌که آنان به آنچه از حق بر شما آمده کافر شده‌اند و...» (ممتحنه، ۱) در آیه دیگر می‌فرماید: «مؤمنان نباید به جای مؤمنان، کافران را ولی خود انتخاب کنند، و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد...» (آل عمران، ۲۸)

توضیح این که اولیا در آیه جمع " ولی " به معنای مالکیت تدبیر امر است مثلاً ولی صغیر ، مالک تدبیر امور و اموال وی است یعنی گرچه صغیر مالک اموال خویش است، اما تدبیر امور به دست ولی است. با وجود این واژه ولی به تدریج در مورد دوستی نیز استعمال شده چون غالباً ولایت به معنای (دوستی) مستلزم تصرف یک دوست در امور دوست دیگر و تأثیر گذار در شئون روحی دوست است، چون تصرف محبوب در زندگی محب، هیچ‌گاه خالی از حب نیست. بنابراین، اولیا قرار دادن کفار خواه ناخواه موجب امتزاج روحی با آنان است که در نهایت مسلمانان از اخلاق و شئون حیاتی آنان متأثر می‌گردد، در این صورت آنان می‌توانند در اخلاق و رفتار مسلمان تأثیر گذارند... چنانکه علامه طباطبائی در تفسیر آیه فرموده :

"منظور آیه این است که مومن بجای مسلمان نباید با کافر دوستی نماید، در غیر این صورت چنین فرد با کفار سنخیت دارد و از مؤمنین بریده است درحالی که به فرمایش قرآن باید از ولایت کفار اجتناب کند" (طباطبائی، ۱۳۹۰ش/ ۳/ ۱۵۱)

قرآن کریم علاوه بر این، در آیه ۱۰۵/بقره گویا بر ممنوعیت دوستی آنان دلیل دیگری را بیان داشته و می‌فرماید : «کافران، اهل کتاب یا مشرکان، دوست ندارند خیر و برکتی از ناحیه خداوند بر شما نازل گردد...» و در آیه ۱۰۹ اضافه می‌کند که آنان نه تنها خیر بر شما نمی‌خواهند، از حسد می‌کوشند شمارا از آنچه دارید نیز محروم نمایند : « بسیاری از اهل کتاب از حسد که در وجود آن‌ها ریشه دوانیده، دوست دارند شمارا بعد از اسلام و ایمان به حال کفر بازگردانند...» (بقره ۱۰۹/) لذا سخن نهایی در منع دوستی مؤمن با کافرا آیه ۲۲/سوره مجادله بیان داشته است :

«هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز قیامت دارند نمی‌بایی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندان آن‌ها باشند، آن‌ها کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه قلوبشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آن‌ها را تقویت فرموده، ... خدا از آن‌ها خشنود و آن‌ها نیز از خدا خشنودند آن‌ها حزب‌الله‌اند بدانید حزب‌الله پیروز است» (مجادله، ۲۲)

از این رو قرآن کریم مسلمین را از اعتماد به غیرمسلمان و محرم اسرار قرار دادن آن منع کرده است : «ای مؤمنان محرم اسراری از غیر خود انتخاب نکنید، [چون] غیر خودی‌ها از هرگونه شر و فساد درباره شما کوتاهی نمی‌کنند، آن‌ها دوست دارند شما در زحمت و رنج باشید

[نشانه‌های] دشمنی از دهان آن‌ها آشکار است و آنچه در دل پنهان دارند از آن‌هم مهم‌تر است، ما آیات (راه‌های پیشگیری از شر آن‌ها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید.» (آل عمران، ۱۱۸) براین اساس نباید به خنده‌های منافقانه آنان اعتماد شده و آنان محرم اسرار قرار داده شوند، لذا همزیستی مسالمت‌آمیز با چنین گروهی نباید چنان باشد که محیط محبت، اعتماد و هم‌رازی ایجاد نماید و اسرار مسلمین در اختیار آنان قرار گیرد. و مسلمان باید همیشه نسبت به رابطه با غیرخودی حساس باشد. و هرگز با دشمنان جهان اسلام نباید سر و سری داشته باشد که چنین رفتار قطع رابطه با خدا است... " (آل عمران، ۲۸) و نوعی همکاری با دشمن علیه اسلام است.

دو- ممنوعیت ترک حدود :

حدود شرعی در اصطلاح فقه، مجازاتی است که شارع مقدس برای برخی جرایم خاص مانند دزدی، شراب‌خواری، راهزنی و... معین نموده (ابن‌اثیر، ۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۳۴۵ و ابن‌ادریس، ۱۴۱۰ق، ص ۴۲۷ و ابن‌بابویه، ۱۴۱۵ق، کتاب الحدود، ص ۳) و گاهی نیز در معنای اعم، یعنی مطلق کیفر- که تعزیرات را نیز در برمی‌گیرد- به کار می‌رود. چنانچه علامه طباطبائی، حدود الهی را همه اوامر و نواهی الهی -حتی تعزیرات- می‌داند: "مراد از حدود الهی اوامر و نواهی خدای متعال است" (طباطبائی، ۱۳۹۰ق/۲/۲۳۴)

براین اساس یکی دیگر از خطوط قرمز اسلام مجاز نبودن ترک حدود شرعی است گرچه از سوی ملل دیگر قابل‌پذیرش نباشد مثلاً قصاص و...، از این‌رو ترک حدود شرعی برای خوش‌آیند غیرمسلمانان ولو به‌عنوان همزیستی با آنان مجاز نیست چون حدود شرعی حکم الهی و جزء هویتی اسلام اند و لازمه تعطیلی حتی یکی از آنها نقص در اسلام است لذا هیچ مومنی نمی‌تواند در اجرا آنها کوتاهی کند یا کوتاهی در آنها را اجازه دهد. بنابراین اجرای حدود شرعی به هیچ بهانه نباید تعطیل شود چون نقش تخریبی ترک حدود در ایجاد ضعف اعتقادی نسبت به قوانین الهی بسیار روشن است. مثلاً اگر در جامعه گناهی مانند روابط نامشروع زن و مرد بیگانه یا دزدی و... علنی انجام بگیرد و انجام دهنده کیفر نبیند، افراد جامعه نسبت به حدود و ثغور اسلام بی‌پروا خواهند شد و لازمه چنین وضع به‌تدریج عادی شدن ترک حدود و از دست رفتن هویت اسلام است از این‌رو ترک حدود الهی ولو به بهانه همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان

ادیان دیگر مجاز نمی‌باشد. امام حسین (ع) بی‌اعتنا نبودن به ترک حدود الهی را از ویژگی‌های مؤمن و دوستان خدا می‌داند و به لزوم مبارزه با ترک حق و ممنوع قرار نگرفتن باطل تأکید کرده حتی در مواردی شهادت را چنانچه خودشان انجام دادند، لازم دانسته و می‌فرماید: «مؤمن در چنین شرایط باید تن به شهادت در راه خدا دهد» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۵)

امیرالمؤمنین علی (ع) نیز عمل ابی ذر در مبارزه با عملی نشدن احکام الهی را مورد تمجید قرار داده و فرمود: تعصب تو برای خدا بود. (تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد / ۱۴۱۰ق / ۸۰۶)

لذا خود حضرت بعد از رسیدن به خلافت، در حساسیت بر تعطیلی برخی احکام اسلام و عملی شدن باطل، فرمود: بخشش‌هایی که در دوره خلفا به‌ویژه خلیفه سوم به‌ناحق به افرادی داده شده باید به بیت‌المال برگردانده شوند ولو با آن‌ها ازدواجی انجام گرفته باشد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۶۹) از این رو اسلام گرچه همزیستی مسالمت‌آمیز را برای تعالی و رشد افراد و جامعه لازم می‌داند اما حفظ حدود و ثغور و مرزهای فکری و عملی اسلام را فدای همزیستی نمی‌کند. بنابراین تعصب دینی بر اجرای حق و حفظ مرزهای اسلام و غیرتمندی و مبارزه با باطل، یک وظیفه دینی است تا با حساس بودن مؤمنان آرام‌آرام در ماهیت دین خدشه و ضعف ایجاد نشود.

روش گفته شده امام امیرالمؤمنین علی (ع) جهت حفاظت از حدود و مرزهای فکری و عملی اسلام به عنوان الگوی عملی از صدر اسلام است که آن حضرت بعد از قبول خلافت ظاهری با این که هنوز پایه‌های حکومتش محکم نشده بود برای اجرای عدالت اسلامی پافشاری سختی را نموده و هرگز کوتاه نیامدند حتی به رغم توصیه برخی از خیرخواهان که حضرت معاویه را به صورت موقت قبول نماید (به اصطلاح کوتاه بیاید) اما حضرت ولو به قیمت خطر از دست دادن خلافت ظاهری کوتاه نیامدند.

حضرت امام خمینی (رض) در تبعیت از الگوی گفته شده ی مولای خود امام علی (ع)، مقابل کارهای خلاف اسلام رژیم منحوس پهلوی حتی به قیمت از دست دادن جان و حبس و تبعید شدن، لحظه‌ای از مبارزه با فساد کوتاه نیامدند.

نتیجه:

در این تحقیق موضوع (تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز اسلامی همگام با اجرای اصول و احکام اسلام و کوتاهی نکردن در اجرای آنها عملی می‌شود) بررسی و ثابت شد که روش سازشکارانه و کوتاهی در اجرای اصول و احکام اسلام به بهانه همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان یا برای رعایت دیدگاه ملل دیگر صحیح نیست، چون موجب نقص اسلام و از بین رفتن تدریجی هویت اسلامی می‌شود. لذا سیره انبیا (ع) در برخورد با پیروان ادیان دیگر ضمن انسانی‌ترین رفتار توأم با احترام و عاری از خشونت، حساسیت بر اجرای اوامر الهی بود. برای بیان این مطلب، بعد از معرفی نظر اسلام در لزوم مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان، در توضیح لزوم پایداری و عدم جواز انعطاف در اجرای اصول و احکام اسلام گفته شد که اصول اسلام هم عقلانی‌اند و هم فطری، از این رو کوتاهی در اجرای آنها رفتار غیرعقلانی و قهقرائی است. افزون بر این‌ها گفته شد که، کوتاهی و انعطاف‌پذیری در اجرای اصول و احکام اسلام دارای آسیب‌های بسیار خطرناک به مکتب است مانند:

۱- تحیر مسلمانان و سرگردانی آنان در باورهای دینی و از دست دادن ایمان و باور قوی که همواره مایه پیروزی در برابر دشمنان است، به تعبیری، موجب سستی در اعتقاد می‌شود و نسبت به از دست رفتن اصالت مکتب خود و بر نفوذ فرهنگی بیگانه و افکار التقاطی حساس نمی‌شود.

۲- پیدایش ضعف بنیه دفاعی مکتب در برابر تهاجم باورهای دیگر

۳- نفوذ فرهنگ بیگانه در مکتب و پیدایش افکار التقاطی. و در نتیجه از بین رفتن هویت

اصیل اسلام است.

منابع

- قرآن کریم با ترجمه آیه ... مکارم
- نهج البلاغه، شریف رضی، (صبح صالح)
- ۱- آریانیپور، عباس، ۱۳۶۹ش، فرهنگ کامل انگلیسی فارسی، امیرکبیر.
 - ۲- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، تصحیح: ابراهیم، محمد، قم، مکتبه آیه الله المرعشی، ج اول
 - ۳- ابن اثیر، مجدالدین ابو السعادات المبارک، ۱۳۶۴ش، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، چاپ محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، افسست قم .
 - ۴- ابن ابی زینب، محمد، ۱۳۹۷ق، الغیبة للنعمانی، تصحیح: غفاری، علی اکبر، تهران، نشر صدوق.
 - ۵- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، ۱۴۱۵ق، المقنع، قم، مؤسسه امام مهدی (عج)
 - ۶- همان، ۱۳۷۲ش، عیون أخبار الرضا علیه السلام، مترجم: مستفید و غیره، تهران، نشر صدوق .
 - ۷- همان، ۱۳۷۱ش، اعتقادات الإمامیه، ترجمه حسنی، محمدعلی، تهران، اسلامیه.
 - ۸- ابن ادريس، ۱۴۱۰ق، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، جامعه مدرسین .
 - ۹- ابن شعبه حرانی، حسن، ۱۴۰۴ق، تحف العقول؛ تصحیح غفاری، قم، جامعه مدرسین.
 - ۱۰- ابن هشام، عبد الملک، ۱۳۶۱ش، السیره النبویه، ترجمه همدانی، تصحیح مهدوی، تهران، خوارزمی .
 - ۱۱- اسلامی مقدم، کبریا، ۱۳۷۲ش، دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی .
 - ۱۲- تارنمای گنجوری - ganjoor. Net - بخش ۱۳، اشعار اقبالی لاهوری، مثنوی: "پس چه باید کرد ای اقوام شرق ..."
 - ۱۳- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم و درر الکلم، مصحح: رجائی، قم، دارالکتاب الإسلامی.
 - ۱۴- حر العاملی، محمد، ۱۴۲۵ق، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، بیروت، اعلمی.
 - ۱۵- خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۳ش، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، تهران، سامازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ج ۴
 - ۱۶- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ش، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران
 - ۱۷- راسل، برتراند، ۱۳۹۷ش، قدرت، ترجمه نجف دریابندی، تهران، خوارزمی.
 - ۱۸- رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۶ش، اسلام شناسی و پاسخ به شبهات، قم، مسجد جمران، ج سوم.
 - ۱۹- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۹ش، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر.
 - ۲۰- سعدی، مصلح الدین (شاعر معروف شیرازی)، ۱۳۸۲، گلستان سعدی، مصحح: محمد علی فروغی، تهران، ققنوس
 - ۲۱- طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان، موسسه اعلمی.
 - ۲۲- عاملی نباطی، علی بن محمد، ۱۳۸۴ق، الصراط المستقیم الی مستحق التقدیم، نجف، مکتبه حیدریه
 - ۲۳- علی بابائی، غلامرضا، ۱۳۶۹ش، فرهنگ اصطلاحات روابط بین الملل، تهران، سفیر .
 - ۲۴- عمید زنجانی، عباس علی، ۱۳۴۴ش، اسلام و همزیستی مسالمت آمیز، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
 - ۲۵- فتحعلی، محمود، ۱۳۷۸ش، تسامح و تساهل: اخلاقی، دینی، سیاسی، تهران، ناشر طه.
 - ۲۶- قضاعی، محمد بن سلامه، ۱۳۶۱ش، شرح فارسی شهاب الاخبار (کلمات قصار پیامبر ص)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی .
 - ۲۷- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، دارالکتب الإسلامیه، تهران.
 - ۲۸- گوستاولوبون، ۱۳۵۸ش، تاریخ تمدن اسلام و عرب، مترجم سید هاشم حسینی، نشر اسلامیه، تهران .
 - ۲۹- لویس معلوف، ۱۳۸۰، المنجد فی اللغة، قم، ذوی القربی
 - ۳۰- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 - ۳۱- مدنی شیرازی، سید علی خان کبیر، ۱۴۰۹ق، ریاض السالکین فی شرح صحیفه الساجدین، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
 - ۳۲- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۷ش، کاوشها و چالشها، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم،
 - ۳۳- مفضل بن عمر، ۱۳۷۹ش، توحید مفضل، ترجمه مجلسی، تهران، وزارت ارشاد .
 - ۳۴- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۱ش، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه .
 - ۳۵- مکارم شیرازی، ناصر، آیه...، سایت هدانا
 - ۳۶- موسوی، امام خمینی، ۱۳۶۸ش، صحیفه‌ی امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲۰.
 - ۳۷- همان، ۱۳۸۵ش، اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی (دقت‌ینجم)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۶.